



الگوی راهبردی نهادینه‌سازی نقش خانواده در سبک زندگی اسلامی-ایرانی: شناسایی راهبرد بهینه و الگوی حکمرانی مؤثر

مجید محمودیان ✉

دانشجوی دکتری، دانشکده مدیریت راهبردی، دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران، ایران. نویسنده مسئول: mmajid9611@gmail.com

اطلاعات مقاله	چکیده
تاریخ‌ها: دریافت: ۱۴۰۴/۰۲/۲۳ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۵/۲۹	
واژگان کلیدی: نهادینه‌سازی نقش خانواده سبک زندگی اسلامی - ایرانی الگوی راهبردی الگوی حکمرانی راهبرد بهینه	<p>پژوهش حاضر با هدف شناسایی و تبیین راهبرد بهینه برای نهادینه‌سازی نقش خانواده در تحقق سبک زندگی اسلامی-ایرانی انجام شد. با توجه به اهمیت محوری خانواده به عنوان نخستین بستر تربیت فردی و اجتماعی، این مطالعه با رویکردی تلفیقی از روش‌های کیفی و کمی، به بررسی چالش‌ها و فرصت‌های پیش رو پرداخته است. در فاز کیفی، با استفاده از تحلیل راهبردی جامع SWOT، نقاط قوت (مانند پیوند عمیق با مذهب و فرهنگ)، نقاط ضعف (مانند عدم توجه کافی به نیازهای روان‌شناختی)، فرصت‌های بیرونی (مانند پیشرفت‌های فناورانه و ظرفیت سازمان‌های مردم‌نهاد) و تهدیدهای محیطی (مانند تهاجم فرهنگی و تغییرات سریع اجتماعی) شناسایی و تبیین شدند. در فاز کمی، با بهره‌گیری از تکنیک AHP و وزن‌دهی به شاخص‌ها، راهبردهای چهارگانه (تهاجمی، محافظه‌کارانه، رقابتی و تدافعی) اولویت‌بندی شدند. نتایج به وضوح نشان داد که راهبرد تهاجمی (SO) به عنوان ارجح‌ترین و کارآمدترین رویکرد، بالاترین امتیاز را کسب کرده است. این راهبرد بر استفاده حداکثری از نقاط قوت درونی برای بهره‌برداری از فرصت‌های بیرونی تمرکز دارد و رویکردی فعالانه و آینده‌نگر را برای تحکیم بنیان خانواده پیشنهاد می‌دهد. در نهایت، پژوهش بر اساس راهبرد منتخب، مجموعه‌ای از پیشنهاد‌های حکمرانی را در هفت عرصه کلیدی شامل سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی، ساختاری، پژوهشی و آموزشی ارائه می‌کند که می‌تواند به عنوان یک چارچوب عملیاتی برای سیاست‌گذاران و نهادهای اجرایی مورد استفاده قرار گیرد. این تحقیق بینش‌های ارزشمندی را برای برنامه‌ریزی‌های راهبردی و اقدامات مؤثر در این زمینه فراهم می‌آورد.</p>

استناد: محمودیان، مجید (۱۴۰۴). الگوی راهبردی نهادینه‌سازی نقش خانواده در سبک زندگی اسلامی-ایرانی: شناسایی راهبرد بهینه و الگوی حکمرانی مؤثر. *روان‌شناسی فرهنگی*، ۹(۱)، ۱۰۵-۱۱۸.

<https://doi.org/10.30487/jcp.2025.547037.1842>

© ۱۴۰۴ (۲۰۲۵) نویسندگان مقاله، نشریه روان‌شناسی فرهنگی، ناشر: سازمان مطالعه و تدوین کتب دانشگاهی در علوم انسانی (سمت)



Strategic model of Family Role Institutionalization in Islamic - Iranian Lifestyle: Identifying Optimal Strategies and Effective Governance Models

Majid Mahmoudiyan ✉

PhD Student, Faculty of Strategic Management, National Defense University, Tehran, Iran.
Corresponding author: mmajid9611@gmail.com

Article Info

History

Received: May 13, 2025

Accepted: August 20, 2025

Keywords

Institutionalizing the family's role
Islamic - Iranian lifestyle
Strategic model
Governance model
Optimal strategy

Abstract

The present study aimed to identify and explain the optimal strategy for institutionalizing the role of the family in achieving the Islamic-Iranian lifestyle. Given the pivotal importance of the family as the primary setting for individual and social development, this study adopted a mixed-methods approach, combining qualitative and quantitative methods, to examine the challenges and opportunities ahead. In the qualitative phase, a comprehensive SWOT analysis was used to identify and explain internal strengths (e.g., a deep connection with religion and culture) and weaknesses (e.g., insufficient attention to psychological needs), as well as external opportunities (e.g., technological advancements and the capacity of non-governmental organizations) and threats (e.g., cultural invasion and rapid social changes). In the quantitative phase, the AHP technique was employed to weight the indicators and prioritize the four strategies (aggressive, conservative, competitive, and defensive). The results clearly showed that the aggressive (SO) strategy, as the most preferred and effective approach, received the highest score. This strategy focuses on maximizing the use of internal strengths to capitalize on external opportunities, proposing a proactive and forward-looking approach to strengthening the family institution. Finally, based on the selected strategy, the research offers a set of governance recommendations across seven key areas—political, cultural, economic, social, structural, research, and educational—which can serve as an operational framework for policymakers and executive bodies. This research provides valuable insights for strategic planning and effective actions in this field.

Citation: Mahmoudiyan, M. (2025). Strategic model of Family Role Institutionalization in Islamic-Iranian Lifestyle: Identifying Optimal Strategies and Effective Governance Models. *Cultural Psychology*, 9(1), 105-118.
<https://doi.org/10.30487/jcp.2025.547037.1842>

© 2025 Authors, Cultural Psychology.

Publisher: Organization for Researching and Composing University Textbooks in the Humanities (SAMT).

مقدمه

خانواده به عنوان یکی از بنیادی‌ترین نهادهای اجتماعی در فرهنگ ایرانی، از دیرباز نقشی بی‌بدیل در شکل‌دهی به سبک زندگی ایفا کرده است. بررسی تاریخی ساختار اجتماعی ایران نشان می‌دهد که خانواده نه تنها محور پرورش فرزندان، بلکه کانون اصلی انتقال ارزش‌ها، هنجارها، باورهای فرهنگی و آداب اجتماعی در جوامع سنتی و مدرن بوده است. این نقش در دوران باستان با تأکید بر وحدت، همبستگی و آموزش نسل‌ها نمود یافته و در دوره اسلامی با آموزه‌های دینی، مفاهیم اخلاقی و تأکیدات قرآنی و روایی تقویت شد (احمدی و همکاران، ۱۳۹۲). به ویژه در فرهنگ شیعی ایران، آموزه‌های اهل بیت علیهم السلام نقشی مؤثر در برجسته‌سازی جایگاه خانواده به عنوان نهاد مقدس و بنیادین ایفا کرده‌اند که به نوعی تلفیق سنت ایرانی و معنویت اسلامی را رقم زده است (اخلاقی و همکاران، ۱۳۹۴).

این پیوند تاریخی و معنوی، زمینه‌ساز شکل‌گیری مفهوم سبک زندگی اسلامی-ایرانی شده است که به عنوان الگوی فرهنگی مطلوب در سیاست‌های فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مورد توجه قرار گرفته است. اسناد بالادستی از جمله اصل دهم قانون اساسی (تأکید بر محوریت نهاد خانواده)، سیاست‌های کلی خانواده (تحکیم بنیان خانواده)، و نقشه مهندسی فرهنگی کشور (راهبرد کلان ۳)، همگی بر اهمیت نقش خانواده در تحقق سبک زندگی اصیل اسلامی-ایرانی تأکید دارند. انتظار می‌رود که با گذشت بیش از چهار دهه از استقرار نظام اسلامی، خانواده ایرانی به نهادی کارآمد در نهادینه‌سازی ارزش‌های فرهنگی و تربیتی تبدیل شده باشد.

تحلیل علمیراهبردی نقش خانواده در فرآیند نهادینه‌سازی سبک زندگی از منظر نظری، شامل مفاهیم سبک زندگی، خانواده، حکمرانی فرهنگی و نهادینه‌سازی است که از مهم‌ترین محورهای مفهومی این پژوهش محسوب می‌شوند. سبک زندگی در چارچوب نظریه‌های جامعه‌شناسی کلاسیک و معاصر نیز مورد توجه قرار گرفته است. ماکس وبر (۱۹۲۲) سبک زندگی را بازتابی از جایگاه منزلتی افراد و نماد هویت اجتماعی می‌داند. بوردیو (۱۹۸۴) با تمرکز بر نظریه تمایز، سبک زندگی را نماد بازتولید سرمایه فرهنگی معرفی می‌کند و آنتونی گیدنز (۱۹۹۱) بر نقش انتخاب‌های فردی در بستر مدرنیته متأخر در ساخت هویت تأکید دارد. همچنین، نظریات کنش متقابل نمادین و رویکردهای هنجاری نیز نقش تعاملات اجتماعی و معانی فرهنگی مشترک را در شکل‌گیری سبک زندگی در سطوح خرد و کلان برجسته می‌کنند.

در حوزه خانواده نیز رویکردهای متنوعی به تحلیل نقش این نهاد در انتقال ارزش‌ها پرداخته‌اند. موریس ماردک (۱۹۴۹) در نظریه کارکردگرایی، خانواده را ضامن حفظ نظم اجتماعی و عامل اجتماعی کردن نسل‌ها می‌داند. نظریه سیستم‌ها، خانواده را سیستمی پویا با روابط متقابل میان اعضا تعریف می‌کند و نظریه کنش متقابل نمادین (جورج مید، ۱۹۳۴) نقش تعاملات روزمره را در درونی‌سازی ارزش‌ها و شکل‌گیری هویت فردی برجسته می‌سازد. نظریه زیست‌محیطی نیز تأثیر محیط‌های فرهنگ‌سازانه‌ای و اجتماعی را بر خانواده و سبک زندگی مورد تحلیل قرار می‌دهد.

در زمینه نهادینه‌سازی نیز نظریه نهادگرایی، چارچوبی برای درک فرآیند تبدیل ارزش‌ها به هنجارهای اجتماعی ارائه می‌دهد. در این چارچوب، خانواده به عنوان نهادی واسط میان فرد و جامعه، نقشی کلیدی در استقرار هنجارهای فرهنگی ایفا می‌کند. نظریه‌های حکمرانی فرهنگی نیز، با تکیه بر اسناد بالادستی جمهوری اسلامی، بر نقش دولت و نهادهای سیاستگذار در جهت‌دهی به سیاست‌های فرهنگی و ارتقای سبک زندگی اسلامی-ایرانی تأکید دارند (رضایی و نوروزی، ۱۳۹۷).

در سطح راهبردی، مدل مفهومی این پژوهش با بهره‌گیری از الگوی راهبردی، تلاشی است برای شناسایی مؤلفه‌ها، موانع، فرصت‌ها و راهکارهای تقویت نقش خانواده در تحقق سبک زندگی اسلامی-ایرانی. این مدل، با اتکا به عناصر راهبردی چون اهداف، مأموریت، ارزش‌ها، شاخص‌های عملکردی، و نیز تحلیل محیط درونی و بیرونی

(SWOT)، به تبیین چهار راهبرد کلان (WT، ST، WO، SO) پرداخته و در پی یافتن راهبرد ارجح برای حکمرانی مؤثر در این حوزه است (رضایی، ۱۳۹۵).

بر این اساس، پژوهش حاضر با هدف شناسایی شاخص‌های کلیدی نهادینه‌سازی نقش خانواده در سبک زندگی اسلامی-ایرانی و ارائه یک مدل راهبردی در چارچوب حکمرانی فرهنگی تدوین شده است. از نظر نظری، این مطالعه می‌کوشد چارچوبی تلفیقی از جامعه‌شناسی فرهنگی و حکمرانی اسلامی را ارائه دهد؛ و از منظر عملی، نتایج آن می‌تواند مبنای سیاستگذاری نهادهایی چون شورای عالی انقلاب فرهنگی، سازمان تبلیغات اسلامی و رسانه ملی قرار گیرد. این پژوهش با روش ترکیبی (کیفی-کمی) و تحلیل داده‌های سیاستی و میدانی، درصدد کاهش شکاف میان سیاستگذاری و واقعیت‌های اجتماعی در حوزه خانواده و سبک زندگی است.

درنهایت، مطالعه حاضر با هدف ارائه مدلی منسجم، کاربردی و راهبردی، تلاشی برای ایفای نقش خانواده به عنوان محور نهادینه‌سازی سبک زندگی اسلامی-ایرانی در شرایط اجتماعی و فرهنگی امروز ایران است؛ مدلی که با لحاظ فرصت‌ها، تهدیدها، نقاط ضعف و قوت، بتواند راهکارهایی عملی برای ارتقای کارآمدی نظام حکمرانی فرهنگی کشور ارائه دهد.

مدل مفهومی

مدل مفهومی این پژوهش بر پایه تلفیقی از مفاهیم طرح راهبردی، نظریه‌های جامعه‌شناختی در حوزه‌های سبک زندگی، خانواده و حکمرانی فرهنگی و همچنین الزامات مندرج در اسناد بالادستی جمهوری اسلامی ایران طراحی شده است. هدف این مدل، تبیین نقش نهاد خانواده در فرآیند نهادینه‌سازی سبک زندگی اسلامی-ایرانی با رویکردی راهبردی و مبتنی بر حکمرانی فرهنگی است. سه متغیر کلیدی این مدل عبارت‌اند از: «نظام حکمرانی فرهنگی» به عنوان متغیر مستقل، «نقش تربیتی و فرهنگی خانواده» به عنوان متغیر میانجی، و «نهادینه‌سازی سبک زندگی اسلامی-ایرانی» به عنوان متغیر وابسته. مدل تلاش می‌کند سازوکار تأثیرگذاری نهادهای فرهنگی بر خانواده و در نهایت جامعه را در چارچوبی منسجم و عملیاتی تحلیل کند.

از منظر نظری، مدل بر پایه نظریه منزلت ماکس وبر، نظریه تمایز بورديو، و ساخت هویت در مدرنیته متأخر گیدنز بنا شده است. نظریه‌های کارکردگرایی، سیستم‌ها و کنش متقابل نمادین نیز نقش محوری خانواده را در انتقال ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی تبیین می‌کنند. همچنین نظریه نهادگرایی، چگونگی تبدیل ارزش‌ها به هنجارهای پایدار اجتماعی را در بستر حکمرانی فرهنگی مورد بررسی قرار می‌دهد. این چارچوب نظری به مدل اجازه می‌دهد تا از سطح مفهومی فراتر رفته و بستری برای تحلیل کاربردی در سیاستگذاری فرهنگی فراهم آورد. ساختار مدل، از سطوح کلان تا اجرایی را در بر می‌گیرد. در بخش نخست، مبانی و اصول تحقیق شامل مفروضات نظری، ارزش‌های بنیادین و قواعد کلان برگرفته از آموزه‌های دینی، فرهنگ ایرانی و نظریه‌های جامعه‌شناسی به عنوان پایه‌های معرفتی در نظر گرفته شده‌اند. سپس ارکان جهت‌ساز مانند آرمان‌ها، چشم‌انداز، مأموریت، ارزش‌ها، اهداف و سیاست‌های کلان ترسیم شده‌اند تا مسیر راهبردی نهاد خانواده در فضای حکمرانی فرهنگی را هدایت کنند.

تحلیل محیطی مدل از طریق چارچوب SWOT انجام شده و به شناسایی فرصت‌ها، تهدیدها، نقاط قوت و ضعف در محیط‌های درونی و بیرونی خانواده و نظام فرهنگی می‌پردازد. این تحلیل به استخراج چهار دسته راهبرد کلان منجر می‌شود (WT، ST، WO، SO) که در ادامه برای هر کدام، راهکارهای اجرایی، الزامات پیاده‌سازی، منابع موردنیاز، و ساختارهای مسئول طراحی می‌شود. در سطح نهایی، شاخص‌های عملکردی و ارزیابی به عنوان ابزاری برای پایش و اصلاح راهبردها در طول اجرا به کار گرفته می‌شوند. به این ترتیب، مدل مفهومی پژوهش ضمن تکیه بر بنیان‌های نظری، ساختاری راهبردی و تصمیم‌محور را برای ارتقای نقش خانواده در سبک زندگی اسلامی-ایرانی پیشنهاد می‌کند.

نمودار این مدل که در شکل ۱ آمده، تصویری نظام مند از ارتباط متغیرها، مراحل راهبردی، و مسیر تحقق اهداف فرهنگی از طریق خانواده در بستر حکمرانی فرهنگی ارائه می دهد. این مدل تلاش دارد تا هم به تعمیق نظری بینجامد و هم به نیازهای سیاستگذاری فرهنگی در شرایط فعلی کشور پاسخ دهد.



شکل ۱ شمای گرافیکی مدل پژوهش

روش پژوهش

روش تحقیق در این پژوهش طی سال ۱۴۰۰ تا ۱۴۰۳ بر مبنای رویکرد ترکیبی (کیفی-کمی) طراحی و در قالب یک طرح توسعه‌ای-کاربردی به اجرا درآمده است. از نظر هدف، پژوهش در رده تحقیقات کاربردی قرار می‌گیرد و از حیث شیوه اجرا، از مدل اکتشافی متوالی بهره می‌برد.

در مرحله نخست پژوهش، داده‌ها با بهره‌گیری روش تحلیل راهبردی SWOT مورد بررسی قرار گرفتند. اسنادی نظیر سیاست‌های کلی خانواده، اصل دهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، نقشه مهندسی فرهنگی کشور، بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی، اسناد شورای عالی انقلاب فرهنگی و سایر منابع معتبر مرتبط با خانواده، سبک زندگی اسلامی-ایرانی و حکمرانی فرهنگی، در این مرحله به دقت مطالعه و تحلیل شدند. هدف از این تحلیل، استخراج اصول راهبردی، ارزش‌های کلیدی، و مؤلفه‌های تأثیرگذار در شکل‌گیری و تقویت نقش خانواده در تحقق سبک زندگی اسلامی-ایرانی بود. در کنار آن، از تحلیل راهبردی SWOT برای شناسایی وضعیت موجود در چهار بعد کلیدی شامل نقاط قوت، نقاط ضعف، فرصت‌ها و تهدیدها استفاده شد. این تحلیل کمک کرد تا محیط درونی (توانمندی‌ها و ضعف‌های نظام فرهنگی) و محیط بیرونی (فرصت‌ها و تهدیدهای فرهنگی-اجتماعی کشور) شناسایی گردد. تلفیق نتایج این دو روش، مبنای طراحی چارچوب راهبردی پژوهش و تدوین الگوی مفهومی قرار گرفت و مسیر انتخاب مناسب‌ترین راهبرد در راستای تقویت نهاد خانواده و تحقق سبک زندگی اسلامی-ایرانی را هموار ساخت.

در مرحله دوم پژوهش، بر اساس یافته‌های مرحله نخست که از طریق تحلیل راهبردی SWOT به دست آمد، ابزارهای گردآوری اطلاعات برای آزمون و اعتبارسنجی نتایج طراحی و اجرا شد. در این مرحله، تمرکز اصلی بر بهره‌گیری از دیدگاه نخبگان برای تأیید یا اصلاح نتایج نظری اولیه بود. بدین منظور، پرسشنامه‌ای محقق ساخته با ساختاری نیمه ساختاریافته طراحی گردید که از ترکیب سؤالات باز و بسته بهره می‌برد تا هم امکان تحلیل کمی فراهم گردد و هم فضای دریافت نظرات تفصیلی و اکتشافی وجود داشته باشد. برای تأمین روایی محتوایی این ابزار، از ارزیابی و نظرخواهی از متخصصان حوزه‌های خانواده، فرهنگ و سیاستگذاری استفاده شد و همچنین، پایایی ابزار با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ سنجیده شد که مقدار آن ۰٫۸۹، به دست آمد؛ رقمی که بیانگر انسجام درونی و اعتبار مطلوب ابزار است. در راستای تقویت اعتبار کیفی داده‌ها، روش‌هایی مانند مثلث‌سازی داده‌ها، بازبینی توسط خبرگان و مصاحبه‌های تکمیلی به کار گرفته شد تا یافته‌ها از منظر قابلیت اطمینان و صحت تفاسیر تقویت شوند. داده‌های حاصل از این مرحله، مبنای ارزیابی راهبردهای استخراج شده از مدل SWOT قرار گرفتند. این تحلیل، چهار نوع راهبرد شامل راهبردهای تهاجمی (SO)، فرصت طلبانه (WO)، رقابتی (ST) و تدافعی (WT) را با هدف تقویت نقش نهاد خانواده و تحقق سبک زندگی اسلامی-ایرانی شناسایی کرد. در این راستا، شاخص‌هایی نظیر مطلوبیت، انطباق با شرایط واقعی، اثربخشی، هزینه-فایده، و قابلیت اجرای عملیاتی در ارزیابی این راهبردها مورد توجه قرار گرفت و در نهایت، راهبرد تهاجمی (SO) به عنوان گزینه ارجح برگزیده شد؛ چراکه بیشترین بهره‌برداری را از ظرفیت‌های درونی نهادهای فرهنگی در تعامل با فرصت‌های محیطی ارائه می‌داد. در ادامه، مجموعه‌ای از راهکارهای اجرایی و سیاستی مبتنی بر این راهبرد تدوین شد که هدف آن بهینه‌سازی حکمرانی فرهنگی در جهت حمایت از نقش تربیتی خانواده و تحقق سبک زندگی اسلامی-ایرانی است.

جامعه آماری پژوهش در مرحله کیفی، شامل کلیه اسناد و قوانین بالادستی مرتبط با موضوع تحقیق بود. در مرحله کمی، جامعه آماری شامل ۴۰ نفر از صاحب‌نظران حوزه خانواده، سبک زندگی و فرهنگ بوده که از طریق نمونه‌گیری هدفمند و روش گلوله‌برفی انتخاب شدند. نمونه‌گیری تا رسیدن به اشباع نظری (۳۰ مصاحبه) ادامه یافت. گردآوری اطلاعات از دو طریق کتابخانه‌ای و میدانی انجام شد. در روش کتابخانه‌ای، منابع علمی، پژوهشی، اسناد رسمی و قوانین

مورد بررسی قرار گرفتند. در روش میدانی، داده‌ها از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته و توزیع پرسشنامه جمع‌آوری شد.

سپس داده‌های کمی به دست آمده از مرحله دوم، با استفاده از روش CVR تحلیل شدند. در این روش، هر شاخص نظری یا اجرایی بر اساس وزن‌دهی متخصصان امتیازدهی شده و در انتخاب راهبرد نهایی دخالت داده شد. یافته‌های حاصل از تحلیل کمی، به عنوان تأییدکننده صحت نظری چارچوب مفهومی پژوهش عمل کرد و به طراحی نهایی مدل راهبردی کمک کرد.

یافته‌های پژوهش

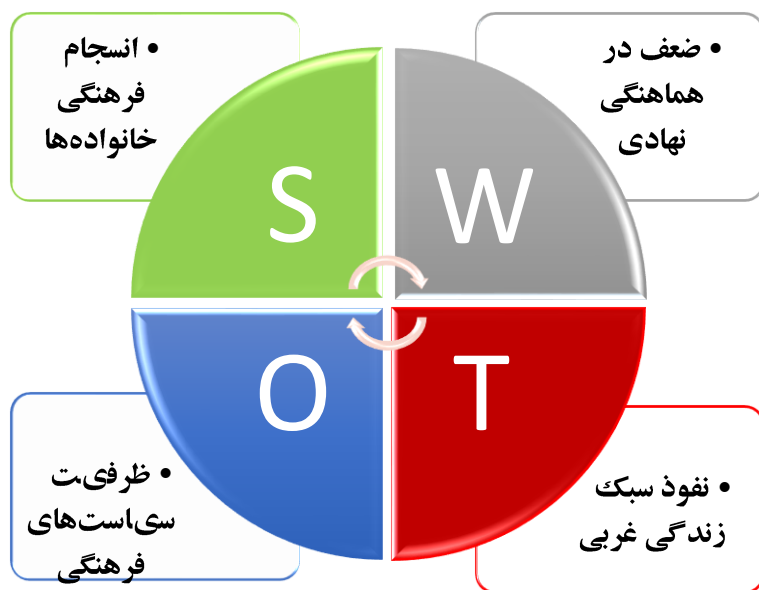
تحلیل SWOT منجر به شناسایی عوامل داخلی و خارجی مؤثر بر نهاد خانواده در تحقق سبک زندگی اسلامی-ایرانی گردید. این عوامل در چهار دسته اصلی شامل نقاط قوت، نقاط ضعف، فرصت‌ها و تهدیدها استخراج شده‌اند. نتایج حاصل از این تحلیل، تصویر روشنی از وضعیت موجود خانواده ایرانی ارائه می‌دهد و مبنایی برای تدوین راهبردهای مناسب جهت تقویت نقش خانواده در نظام حکمرانی فرهنگی فراهم می‌سازد. جدول زیر دسته‌بندی تفصیلی این عوامل را نمایش می‌دهد.

جدول ۱ تحلیل SWOT خانواده ایرانی در تحقق سبک زندگی اسلامی-ایرانی

شرح شاخص	کد	بعد تحلیل
وجود پشتوانه غنی دینی و فرهنگی	S1	نقاط قوت
اهمیت بالای خانواده در فرهنگ ایرانی	S2	
نظام‌های خویشاوندی مستحکم و روابط حمایتی	S3	
نقش محوری و تربیتی مادر در خانواده	S4	
ارزش فرهنگی و دینی فرزندآوری	S5	
وجود الگوهای موفق و ملموس خانوادگی	S6	
کاهش نقش تربیتی والدین به واسطه اشتغال و فشار اقتصادی	W1	نقاط ضعف
ضعف آموزش‌های کاربردی پیش از ازدواج	W2	
کمبود نهادهای حمایتی و تخصصی برای خانواده	W3	
تأثیرات منفی رسانه‌های بیگانه بر سبک زندگی	W4	
عدم هم‌افزایی نهادی و ضعف همگرایی در سیاست‌های خانواده	W5	
فقدان مدل‌های بومی سبک زندگی اسلامی-ایرانی	W6	
ظرفیت فضای مجازی برای آموزش و ترویج مفاهیم خانوادگی	O1	فرصت‌ها
وجود اسناد بالادستی و حمایت‌های قانونی از نهاد خانواده	O2	
وجود الگوهای موفق فرهنگی و اجتماعی در کشور	O3	
توسعه نهادهای مردمی و NGOهای خانواده‌محور	O4	
تأکیدات مستمر مقام معظم رهبری بر مسئله خانواده	O5	
تغییر در ارزش‌های نسل جوان و گرایش به فردگرایی	T1	تهدیدها
بحران‌های اقتصادی و معیشتی خانواده‌ها	T2	
افزایش آسیب‌های اجتماعی مانند اعتیاد و طلاق	T3	
تهاجم فرهنگی و برنامه‌ریزی هدفمند برای تضعیف خانواده	T4	
ارائه الگوهای نادرست خانوادگی در رسانه‌های داخلی	T5	

همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، تحلیل جامع SWOT به عنوان ابزاری تحلیلی، به شناسایی نظام‌مند عوامل داخلی و خارجی مؤثر بر کارکرد نهاد خانواده در تحقق سبک زندگی اسلامی-ایرانی انجامید. این عوامل در چهار دسته‌ی اصلی شامل نقاط قوت، نقاط ضعف، فرصت‌ها و تهدیدها طبقه‌بندی شدند.

در بخش عوامل درونی، نقاط قوت خانواده ایرانی شامل پشتوانه غنی دینی و فرهنگی، جایگاه تاریخی و محوری خانواده در فرهنگ ملی، وجود پیوندهای خویشاوندی استوار، نقش کلیدی مادر در فرآیند تربیت، ارزش‌گذاری سنتی بر فرزندآوری، و حضور الگوهای موفق خانوادگی است. این عناصر، ظرفیت‌هایی بالقوه برای ترویج سبک زندگی



اسلامی-ایرانی به شمار می‌روند. در سوی مقابل، نقاط ضعف ساختاری و محتوایی همچون کاهش نقش تربیتی والدین، ضعف آموزش‌های مقدماتی ازدواج، کمبود نهادهای تخصصی حمایتگر، نفوذ رسانه‌های ناسازگار با فرهنگ بومی، فقدان هم‌افزایی نهادی و نبود مدل‌های بومی و کاربردی، چالش‌هایی درونی هستند که نهاد خانواده با آن‌ها مواجه است. در بعد برون‌سازمانی، فرصت‌ها شامل توسعه ظرفیت‌های فضای مجازی برای آموزش، حمایت

اسناد بالادستی و قوانین، رشد سازمان‌های مردم‌نهاد فعال در حوزه خانواده، توجه رهبر معظم انقلاب به جایگاه خانواده، و امکان الگوبرداری از تجربیات موفق فرهنگی-اجتماعی است. در برابر آن، تهدیدها ناظر به تغییرات ارزشی در نسل جدید، فشارهای اقتصادی، گسترش آسیب‌های اجتماعی نظیر اعتیاد و طلاق، تهاجم فرهنگی گسترده و گاه الگوسازی‌های اشتباه رسانه‌ای هستند که یکپارچگی نهاد خانواده را تحت تأثیر قرار داده‌اند.

تعریف و تبیین راهبردهای تعیین‌کننده

بر اساس ترکیب منطقی این چهار دسته عامل، چهار نوع راهبرد کلان در مدل SWOT استخراج شده است که هر یک پاسخی تعیین‌کننده به وضعیت کنونی نهاد خانواده ارائه می‌دهد. این راهبردها عبارت‌اند از: راهبرد نخست، راهبرد تهاجمی (SO) است که بر پایه بهره‌گیری از ظرفیت‌های درونی نهاد خانواده در کنار فرصت‌های موجود در فضای فرهنگی و اجتماعی کشور طراحی شده است. در این رویکرد، پشتوانه‌های دینی و فرهنگی ریشه‌دار، جایگاه سنتی خانواده، نقش تعیین‌کننده مادران و استحکام روابط خویشاوندی به عنوان منابع درونی قدرت شناخته می‌شوند. این ظرفیت‌ها در ترکیب با فرصت‌هایی همچون گسترش فضای مجازی برای آموزش، حمایت‌های قانونی موجود، توصیه‌ها و تأکیدات مقام معظم رهبری، و حضور فعال سازمان‌های مردم‌نهاد، مسیر تقویت خانواده را هموار می‌سازد. در چنین زمینه‌ای، راهبردهایی نظیر ارتقای تولید محتوای دیجیتال با مضامین اسلامی-ایرانی، استفاده از نهادهای مردمی برای ترویج ارزش‌های خانوادگی، و ایجاد تعامل سازنده میان رسانه و خانواده پیشنهاد می‌شود. ارزیابی موفقیت این راهبرد نیز با شاخص‌هایی مانند رشد تولید محتوای فرهنگی توسط خانواده‌ها، ارتقای مشارکت والدین در برنامه‌های تربیتی، و

افزایش احساس تعلق اعضای خانواده به یکدیگر قابل سنجش است. گزاره‌های کلیدی این راهبرد نیز بر تلفیق ظرفیت‌های فرهنگی و فناوری برای ارتقای خانواده، بهره‌گیری از سرمایه اجتماعی خانواده برای تربیت نسل آینده، و تقویت ساختار حمایتی خانواده در سطح جامعه تأکید دارند.

دومین راهبرد، راهبرد مشارکتی (WO) است که بر رفع نقاط ضعف نهاد خانواده از طریق بهره‌گیری از فرصت‌های محیطی تمرکز دارد. این راهبرد زمانی معنا می‌یابد که خانواده با چالش‌هایی نظیر ضعف آموزش پیش از ازدواج، نبود نهادهای مشاوره‌ای کارآمد، یا کم‌توجهی به نیازهای روانی اعضا مواجه باشد؛ درحالی‌که فضای فرهنگی کشور از امکاناتی چون پیشرفت فناوری در آموزش، ظرفیت سازمان‌های مردم‌نهاد، و اسناد حمایتی بالادستی بهره‌مند است. در چنین شرایطی، پیشنهاد می‌شود از ظرفیت‌های بیرونی برای توسعه آموزش‌های کاربردی خانواده، طراحی برنامه‌های رسانه‌ای آموزشی، و تقویت تعامل بین دستگاه‌های فرهنگی بهره‌گیری شود. شاخص‌هایی مانند افزایش دسترسی به خدمات مشاوره‌ای، بهبود مهارت‌های زندگی در جوانان، و ارتقای سطح رضایت در روابط زناشویی برای ارزیابی این راهبرد مناسب‌اند.

گزاره‌های تدوین شده در این بخش ناظر بر استفاده از فناوری‌های نوین برای آموزش خانواده، ترویج ارزش‌های مثبت درباره نقش‌های خانوادگی در رسانه‌ها، و بسیج ظرفیت نهادهای غیررسمی در حمایت از خانواده هستند. در سومین سطح، راهبرد رقابتی (ST) قرار دارد که بر استفاده از توانمندی‌های خانواده برای مقابله با تهدیدهای بیرونی تمرکز دارد. در فضایی که خانواده در معرض تهاجم فرهنگی، تغییر ارزش‌های بین‌نسلی، و الگوسازی‌های نادرست رسانه‌ای قرار دارد، لازم است ظرفیت‌های فرهنگی و اجتماعی خانواده به شکلی فعالانه برای حفاظت از مرزهای هویتی و ارزشی آن به کار گرفته شود. بهره‌گیری از آموزه‌های دینی، تقویت نقش الگویی والدین، افزایش سواد رسانه‌ای و ترویج تعاملات سالم درون‌خانوادگی از جمله محورهای این راهبرد است.

شاخص‌هایی نظیر کاهش پذیرش الگوهای ناسازگار فرهنگی، ارتقای مقاومت فرهنگی خانواده‌ها، و افزایش مشارکت در برنامه‌های تربیتی می‌توانند میزان اثربخشی این راهبرد را نشان دهند. گزاره‌های راهبردی در این بخش تأکید دارند بر بازآفرینی نقش خانواده در تربیت نسلی مقاوم در برابر تهاجم فرهنگی، مقابله با تحریفات رسانه‌ای درباره سبک زندگی و تقویت پایگاه ارزشی خانواده در جامعه.

چهارمین راهبرد، راهبرد تدافعی (WT) است که در شرایط بحرانی به کار گرفته می‌شود؛ زمانی که خانواده هم‌زمان با تهدیدات بیرونی و ضعف‌های ساختاری درونی مواجه است. افزایش آمار طلاق، بحران‌های اقتصادی، ضعف زیرساخت‌های مشاوره‌ای، و تضعیف نقش‌های سنتی خانواده نمونه‌هایی از این وضعیت‌اند. در این موقعیت، پیشنهاد می‌شود برنامه‌هایی کوتاه‌مدت و حمایتی در دستور کار قرار گیرد. طراحی نظام‌های اورژانس روان‌شناختی و اجتماعی، حمایت فوری از خانواده‌های آسیب‌پذیر، توسعه مراکز مشاوره محلی، و ترویج آموزش‌های اضطراری برای والدین از جمله اقدامات کلیدی است. شاخص‌های ارزیابی نیز شامل کاهش آسیب‌های اجتماعی، بهبود شاخص‌های سلامت روانی خانواده، و افزایش دسترسی به خدمات حمایتی خواهند بود. گزاره‌های این راهبرد بر پاسخ فوری و حمایتی نظام فرهنگی در برابر فروپاشی خانواده، تأمین نیازهای اساسی روانی-اجتماعی، و کاهش شکاف‌های موجود در سیاستگذاری تأکید می‌کنند.

در مرحله دوم تحلیل، به منظور ارزیابی راهبردهای پیشنهادی بر اساس مدل SWOT، از روش تحلیل سلسله‌مراتبی (AHP) استفاده شد تا میزان اهمیت نسبی هر یک از مؤلفه‌ها و همچنین اولویت راهبردهای چهارگانه تعیین گردد. ابتدا با استفاده از قضاوت‌های خبرگان، وزن نهایی عوامل داخلی شامل نقاط قوت و ضعف محاسبه شد. جدول ۱، نتایج این وزن‌دهی را نشان می‌دهد و بر اساس آن، مشخص شد که نقاط قوت (S) با وزن ۰,۵۵، نسبت به نقاط ضعف (W) با وزن ۰,۴۵، از اهمیت بیشتری برخوردارند.

جدول ۱ وزن نهایی عوامل داخلی (نقاط قوت و ضعف)

عامل	وزن نهایی
نقاط قوت (S)	۰/۵۵
نقاط ضعف (W)	۰/۴۵
مجموع	۱/۰۰

سپس، وزن‌دهی عوامل خارجی یعنی فرصت‌ها و تهدیدها انجام گرفت که نتایج آن در جدول ۲ آمده است. در این جدول، فرصت‌ها (O) با وزن ۰,۶۰ نسبت به تهدیدها (T) با وزن ۰,۴۰ ارجحیت دارند. این یافته‌ها نشان می‌دهند که از منظر خبرگان، محیط بیرونی دارای ظرفیت‌های مثبت بیشتری نسبت به مخاطرات بالفعل است و در فضای درونی نیز توانمندی‌های فرهنگی، اجتماعی و دینی خانواده ایرانی بر چالش‌های درونی غلبه دارد.

جدول ۲ وزن نهایی عوامل خارجی (فرصت‌ها و تهدیدها)

عامل	وزن نهایی
فرصت‌ها (O)	۰/۶۰
تهدیدها (T)	۰/۴۰
مجموع	۱/۰۰

پس از تعیین وزن نسبی مؤلفه‌های SWOT، موقعیت نهاد خانواده در ماتریس داخلی-خارجی (IE) ارزیابی شد که ترکیب بالاتر بودن وزن نقاط قوت و فرصت‌ها، نشان‌دهنده جایگاه «رشد و ساخت» است. این موقعیت، اتخاذ راهبرد تهاجمی (SO) را توجیه‌پذیر و اولویت‌دار می‌سازد. در ادامه، برای بررسی دقیق‌تر و مقایسه عملکردی چهار راهبرد اصلی (SO، WO، ST، WT)، از ده شاخص کلیدی شامل میزان تمرکز بر عوامل داخلی و خارجی، هدف‌گذاری، شرایط اجرا، نوع رویکرد، سطح ریسک، نیاز به منابع، افق زمانی، ارزیابی عملکرد، انعطاف‌پذیری و قابلیت کنترل استفاده شد. برای هر شاخص، به راهبردها امتیازهایی بین ۱ تا ۵ اختصاص یافت و مجموع این نمرات در جدول ۳ ارائه شده است. این ده شاخص توسط ۱۵ نفر از متخصصین ارزیابی و نمره دهی شد که بر اساس داده‌های این جدول، راهبرد تهاجمی (SO) با مجموع ۴۷ امتیاز در صدر قرار گرفت و به عنوان راهبرد ارجح معرفی شد. پس از آن، راهبرد رقابتی (ST) با ۳۹ امتیاز و راهبرد مشارکتی (WO) با ۳۸ امتیاز در رتبه‌های دوم و سوم قرار گرفتند. راهبرد تدافعی (WT) نیز با کسب تنها ۲۷ امتیاز، در جایگاه آخر قرار گرفت.

جدول ۳ مقایسه راهبردهای چهارگانه بر اساس ۱۰ شاخص ارزیابی

ردیف	شاخص	تدافعی (WT)	رقابتی (ST)	مشارکتی (WO)	تهاجمی (SO)
۱.	میزان تمرکز بر عوامل داخلی و خارجی	۳	۵	۴	۵
۲.	هدف اصلی	۲	۴	۴	۵
۳.	شرایط انتخاب	۲	۴	۴	۵
۴.	نوع رویکرد	۳	۴	۴	۵
۵.	سطح ریسک	۲	۳	۳	۴
۶.	میزان نیاز به منابع	۳	۴	۴	۵
۷.	افق زمانی	۳	۴	۴	۵
۸.	شاخص‌های ارزیابی عملکرد	۲	۴	۴	۵
۹.	میزان انعطاف‌پذیری	۴	۳	۴	۴
۱۰.	میزان کنترل	۳	۴	۳	۴
	مجموع نمرات	۲۷	۳۹	۳۸	۴۷

مجموع نتایج تحلیل AHP، گویای آن است که با توجه به وزن غالب نقاط قوت داخلی و فرصت‌های محیطی، اتخاذ رویکرد تهاجمی می‌تواند مسیر مؤثرتری برای ارتقای نقش نهاد خانواده در تحقق سبک زندگی اسلامی-ایرانی باشد. این راهبرد بر ظرفیت‌های بالفعل خانواده ایرانی در حوزه‌های فرهنگ، دین، آموزش، رسانه و نهادهای مردم‌نهاد تکیه دارد و زمینه را برای بهره‌برداری حداکثری از فرصت‌های محیطی فراهم می‌سازد. در مقابل، سایر راهبردها نیز در جای خود می‌توانند نقش مکمل ایفا کنند، اما اولویت اصلی باید به رویکردی داده شود که بیشترین هماهنگی را با مزیت‌های ساختاری و اقتضائات محیطی دارد. این تحلیل، نه تنها یافته‌های کیفی پژوهش را تقویت می‌کند، بلکه به صورت عددی نیز اثبات می‌نماید که کنش فعالانه، هدفمند و آینده‌نگر در حوزه سیاستگذاری خانواده، می‌تواند موثرترین رویکرد در مسیر دستیابی به اهداف فرهنگی-اجتماعی کشور باشد.

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف طراحی یک طرح راهبردی برای نهادینه‌سازی نقش خانواده در تحقق سبک زندگی اسلامی - ایرانی انجام شد. در تحلیل جامع صورت گرفته، رویکرد SWOT به عنوان ابزاری ساختاریافته برای شناسایی و دسته‌بندی عوامل محیطی و درونی مؤثر بر نهاد خانواده به کار گرفته شد. نتایج حاصل از این تحلیل نشان داد که خانواده ایرانی از مزایای قابل توجهی مانند پشتوانه غنی دینی، سنت‌های فرهنگی مستحکم، روابط خانوادگی قوی، و جایگاه ویژه مادر در تربیت برخوردار است. از سوی دیگر، با وجود برخی ضعف‌های درونی همچون کاهش نقش تربیتی والدین و نبود نهادهای حمایتی کافی، فرصت‌هایی چون پیشرفت‌های فناورانه، گسترش فعالیت‌های نهادی مدنی، و سیاست‌های کلان حمایتی، زمینه‌ای مناسب برای سیاستگذاری هدفمند فراهم کرده‌اند. بر این اساس، تحلیل‌های کمی مبتنی بر فرآیند تحلیل سلسله‌مراتبی (AHP) نیز نشان دادند که راهبرد تهاجمی (SO) - که بر بهره‌برداری از فرصت‌ها با اتکا به نقاط قوت تمرکز دارد - بهترین راهبرد ممکن در شرایط فعلی است.

یافته‌های پژوهش تأکید دارند که راهبرد تهاجمی می‌تواند نقطه اتکایی برای رشد و توسعه پایدار نهاد خانواده فراهم آورد. اتخاذ این راهبرد به معنای حرکت فعالانه و پیش‌نگرانه در جهت تقویت ظرفیت‌های موجود و استفاده از فرصت‌های محیطی است، نه صرفاً واکنش به تهدیدات یا تمرکز بر جبران ضعف‌ها. برای مثال، ظرفیت بالای رسانه‌های نوین و شبکه‌های اجتماعی در ترویج سبک زندگی سالم، در کنار گرایش گسترده مردم به آموزه‌های دینی، زمینه‌ای فراهم می‌کند که با طراحی سیاست‌ها و برنامه‌های هدفمند، بتوان به شیوه‌ای مؤثر الگوی اسلامی-ایرانی زندگی را در سطح خانواده نهادینه ساخت. همچنین، وجود سیاست‌های بالادستی و اسناد رسمی چون سیاست‌های کلی خانواده و نقشه مهندسی فرهنگی کشور، بستر قانونی مناسبی برای توسعه برنامه‌های حمایتی و آموزشی فراهم آورده‌اند که در قالب راهبردهای تهاجمی می‌توانند عملیاتی شوند.

تحلیل‌های انجام شده همچنین نشان دادند که در مقایسه با سایر راهبردهای ممکن (از جمله رقابتی، مشارکتی و تدافعی)، رویکرد تهاجمی بیشترین هم‌سویی را با وضعیت کنونی نهاد خانواده دارد. امتیاز بالای این راهبرد در ارزیابی‌های مبتنی بر شاخص‌های کلیدی، از جمله تمرکز بر عوامل داخلی و خارجی، افق زمانی، نیاز به منابع، سطح ریسک، و کنترل‌پذیری، نشان می‌دهد که استفاده حداکثری از ظرفیت‌های فرهنگی، دینی و اجتماعی خانواده می‌تواند مسیر تحقق سبک زندگی اسلامی-ایرانی را هموار سازد. در مجموع، یافته‌ها بیانگر آن‌اند که در شرایط کنونی، اتخاذ رویکردی فعال، نوآور و مبتنی بر سرمایه‌های بومی، به مراتب اثربخش‌تر از رویکردهای تدافعی و انفعالی است؛ و از این رو، برنامه‌ریزی در حوزه حکمرانی خانواده باید بر پایه مدل‌های تهاجمی توسعه یابد.

در مقایسه با پیشینه پژوهش، یافته‌های این مطالعه همسو با نتایج تحقیق نوروزی (۱۴۰۳) است که بر لزوم برنامه‌ریزی راهبردی در حوزه خانواده تأکید دارد. همچنین، شباهت‌هایی با مطالعه زاهدی و حسینی (۱۳۹۸) دیده می‌شود که بر نقش خانواده در ترویج سبک زندگی اسلامی در میان نوجوانان ایرانی تأکید دارند. پژوهش حاضر اما گامی فراتر برداشته و با ترکیب تحلیل راهبردی SWOT و رویکردهای حکمرانی چندسطحی، نه تنها نقاط قوت، ضعف، فرصت‌ها و تهدیدها را شناسایی کرده، بلکه با استفاده از AHP، راهبرد ارجح را نیز تعیین کرده و پیشنهادهای دقیق و کاربردی در ۹ عرصه اصلی حکمرانی ارائه داده است.

در سطح بین‌المللی نیز مطالعاتی چون تحقیق مارتینز و رابینسون^۱ (۲۰۲۱) و اسمیت^۲ (۲۰۲۰) بر نقش خانواده گسترده و مداخلات خانواده محور در ترویج سبک زندگی سالم تأکید کرده‌اند؛ موضوعی که در پژوهش حاضر نیز تأیید شده است. با این حال، نقطه تمایز پژوهش کنونی در توجه به سبک زندگی اسلامی-ایرانی به عنوان یک الگوی بومی و فرهنگی مستقل است که کمتر در پژوهش‌های خارجی به آن پرداخته شده است. افزون بر آن، استفاده از مدل SWOT در ترکیب با تحلیل تصمیم‌گیری چندمعیاره (AHP) و تأکید بر بُعد سیاستگذاری و حکمرانی، پژوهش حاضر را به الگویی ساختارمند و نوین برای تصمیم‌گیران این حوزه تبدیل می‌سازد.

نکته قابل تأمل دیگر آن است که یافته‌های این مطالعه نشان می‌دهد تکیه صرف بر راهبردهای تدافعی یا صرفاً مقابله‌ای در برابر تهدیدها، راهگشا نیست و در عوض، راهبرد تهاجمی با تمرکز بر سرمایه‌های فرهنگی خانواده ایرانی و تقویت آن از طریق سیاست‌های حمایتی، می‌تواند رویکردی اثربخش و پایدار باشد. این مهم در تطابق کامل با توصیه‌های مطالعات فرهنگی مانند تحقیق پاتل و وونگ^۳ (۲۰۲۱) است که بر ضرورت طراحی مداخلات متناسب با زمینه فرهنگی جامعه تأکید دارند.

به طور کلی، پژوهش حاضر در میان پژوهش‌های پیشین خلأ مهمی را پوشش می‌دهد: فقدان مدلی جامع که به‌طور همزمان از تحلیل‌های راهبردی، رویکردهای حکمرانی، و تحلیل کیفی-کمی بهره‌برداری کند تا راهبردی اثربخش برای نهاد خانواده در ایران ارائه دهد. لذا یافته‌های این تحقیق می‌تواند مبنایی برای سیاستگذاری کلان در حوزه خانواده و سبک زندگی قرار گیرند و از سویی، پژوهشگران را به سمت بررسی‌های تکمیلی، نظیر تحلیل پیامدهای اجرای راهبردهای منتخب یا ارزیابی دوره‌ای نتایج، هدایت کنند.

پژوهش حاضر، با وجود رویکرد تحلیلی منسجم و بهره‌گیری از تکنیک‌های ترکیبی (SWOT و AHP)، همچون هر مطالعه علمی دیگری با محدودیت‌هایی همراه بوده است که در تحلیل نتایج و تعمیم‌پذیری یافته‌ها باید مورد توجه قرار گیرد. نخستین محدودیت به ماهیت کیفی بخشی از داده‌ها بازمی‌گردد که متکی بر دیدگاه‌های خبرگان و متخصصان بوده است. اگرچه تلاش شد با استفاده از تکنیک‌هایی مانند مثلث‌سازی داده‌ها، بازبینی توسط متخصصان و ارزیابی‌های مجدد، اعتبار داده‌ها افزایش یابد، اما وابستگی نتایج به دیدگاه‌های افراد خاص ممکن است بر تفسیر نهایی تأثیرگذار باشد.

برای پژوهش‌های آتی پیشنهاد می‌شود که نخست، مطالعاتی با دامنه جغرافیایی گسترده‌تر و با در نظر گرفتن تفاوت‌های منطقه‌ای و بومی طراحی و اجرا شود. به کارگیری روش‌های تلفیقی با حضور جامعه‌های محلی، می‌تواند شناخت عمیق‌تری از وضعیت خانواده‌ها در اقلیم‌های مختلف فراهم کند. دوم، پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های آینده با رویکرد طولی و مداخله‌محور انجام شوند تا بتوان پویایی‌های بلندمدت سیاستگذاری‌ها را سنجید و تأثیرگذاری عملی

راهبردهای پیشنهادی را در طول زمان ارزیابی کرد. همچنین، مطالعات مقایسه‌ای بین المللی، به‌ویژه با کشورهای اسلامی یا دارای فرهنگ‌های مشابه، می‌تواند به شناسایی الگوهای موفق و قابلیت بومی‌سازی آن‌ها در ایران کمک کند؛ در همین راستا، توسعه مدل‌های نظری بومی شده در زمینه سبک زندگی اسلامی-ایرانی، با محوریت خانواده، نیازمند مطالعات نظری بیشتر و تطبیقی است.

در نهایت، توصیه می‌شود که پژوهش‌های آتی، به‌ویژه در حوزه تحلیل سیاست‌ها و حکمرانی خانواده، به صورت چندبخشی و میان‌رشته‌ای طراحی شوند تا بتوانند هم‌افزایی بیشتری میان حوزه‌های جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، علوم سیاسی، مطالعات فرهنگی و مدیریت راهبردی ایجاد کنند. انجام پژوهش‌هایی با تمرکز بر شاخص‌های سنجش‌پذیر حکمرانی خانواده و ارزیابی مداخلات سیاستی نیز می‌تواند به شکل‌گیری یک بدنه دانش کاربردی برای تصمیم‌گیری‌های کلان در این حوزه منجر شود.

منابع

- آذرآرمکی، تقی (۱۳۹۵). *تغییرات، چالش‌ها و آینده خانواده ایرانی*. تهران: انتشارات تیسرا.
- احمدی، علی، عدلی‌پور، صمد، و میرمحمدتبار دیوکلاپی، سید ابوالحسن (۱۳۹۲). نهاد خانواده، سبک زندگی و گرایش به حجاب. *جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی*، ۱(۲)، ۶۲-۴۵.
- اخلاقی، حسین، شرف‌الدین، حسین، صفورایی، محمد مهدی، و عزیزی کیا، غلامعلی (۱۳۹۴). مبانی انسان‌شناختی سبک زندگی طیبه از دیدگاه قرآن. *پژوهشنامه اسلامی زنان و خانواده*، ۳(۱)، ۴۰-۲۳.
- امینی، لیلا (۱۴۰۱). *نقش سبک زندگی قرآنی در خانواده و مقایسه آن با سبک‌های مغایر قرآنی* (رساله دکتری). قم: دانشگاه معارف اسلامی.
- آقاپور، رضا (۱۳۹۵). *بررسی مؤلفه‌های تأثیرگذار بر سبک زندگی خانواده از دیدگاه قرآن و حدیث* (رساله دکتری). مازندران: دانشگاه مازندران.
- باقری، رضا (۱۳۹۵). *رابطه سبک زندگی اسلامی با کارکردهای خانوادگی و سازگاری اجتماعی نوجوانان در شهر شیراز* (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). مرودشت: دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت.
- حسین‌آبادی، مجتبی (۱۳۹۸). *سبک زندگی اسلامی، شادی و خشنودی زنشویی زنان*. قم: انتشارات معارف.
- حیدری، طاهره، و کشوری، سارا (۱۴۰۲). نقش خانواده در سبک زندگی ایرانی-اسلامی. *فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران*، ۱۶(۴)، ۱۴۵-۱۲۰.
- خوانین‌زاده، محمد حسین، شریفی، علی اصغر، و فاضل‌نیا، محمد (۱۳۹۵). جایگاه و آثار باور به خدا در سبک زندگی خانوادگی از منظر قرآن و روایات. *پژوهشنامه معارف قرآنی*، (۲۵)، ۳۲-۱۵.
- رستمی تاجیک، مهدی (۱۳۹۹). *سبک زندگی جهادی*. تهران: انتشارات سدید.
- رضایی، علی، و حسینی، مریم (۱۴۰۳). نقش مدل خانواده در سیاست‌های خانواده از طریق تحلیل اسناد بالادستی جمهوری اسلامی ایران. *فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران*، ۱۷(۲)، ۷۰-۴۵.
- رضایی آدریانی، سعید (۱۴۰۳). *بررسی مفهوم حکمرانی فرهنگی*. *فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران*، ۱۷(۱)، ۴۰-۱۵.
- ساروخانی، باقر، و زاغیان، اسماعیل (۱۳۹۹). نقش سبک زندگی خانواده اسلامی در تحقق الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت. *فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران*، ۱۳(۳)، ۸۰-۵۵.
- سعیدی، عباس (۱۳۹۶). *الگوی سبک زندگی ایرانی-اسلامی نیروهای مسلح*. تهران: انتشارات دانشگاه امام حسین (ع).
- شریفی، علی اصغر (۱۳۹۵). *سبک زندگی اسلامی ایرانی*. تهران: انتشارات آفتاب توسعه.
- عباسی‌شوازی، محمد جلال، و توریان، فاطمه (۱۳۹۱). زندگی خانوادگی و ایدئولوژی توسعه در یزد، ایران. *جمعیت‌شناسی*، ۴۹(۱)، ۳۲-۱.
- غیابی، مازیار (۱۳۹۲). تأثیر ایران: دولت و جامعه سیاسی-مذهبی در منطقه. *مطالعات ایرانی*، ۴۶(۱)، ۲۰-۱.
- کریمی، محمد تقی (۱۴۰۳). *بررسی مدل خانواده متعادل در سبک زندگی اسلامی-ایرانی*. *فصلنامه مطالعات زنان و خانواده*، ۱۲(۱)، ۲۵-۱.
- مالکی، امین، و عرب، پویا (۱۳۹۹). *نگرش ایرانیان نسبت به دین: گزارش نظرسنجی ۲۰۲۰*. گزارش پژوهشی، ۴۵-۱. GAMAAN.

منابع انگلیسی

- Abbasi-Shavazi, Mohammad Jalal, & Torabi, Fatemeh (2012). Family life and developmental idealism in Yazd, Iran. *Demography*, 49(1), 1-32.
- Axworthy, Michael (2013). *Revolutionary Iran: A history of the Islamic Republic*. Oxford University Press.
- Barry, Ben (2018). *Armenian Christians in Iran: Ethnicity, religion, and identity in the Islamic Republic*. Cambridge University Press.
- Ebadi, Shirin (2016). *Until we are free: My fight for human rights in Iran*. New York: Random House.
- Ghaffarian, Shirin (1998). The relationship of religious self-identification to cultural adaptation among Iranian immigrants and first-generation Iranians. *Dissertation Abstracts International: Section B: The Sciences and Engineering*, 58(12-B), 6923.
- Ghiabi, Maziar (2013). Iran's influence: A religious-political state and society in its region. *Iranian Studies*, 46(1), 1-20.
- Hoodfar, Homa (2012). *The Muslim veil in North America: Issues and debates*. Toronto: Women's Press.
- Karami, Mohammad Taghi (2024). Examining the balanced family model in the Islamic-Iranian lifestyle. *Journal of Women and Family Studies*, 12(1), 1-25.
- Maleki, Amīn, & Arab, Pooyā (2020). *Iranians' attitudes toward religion: A 2020 survey report*. GAMAAN Research Report, 1-45.
- Rezaei Adaryani, Saeed (2024). Exploring the concept of cultural governance. *Iranian Journal of Cultural Studies*, 17(1), 15-40.
- Saroukhani, Bagher, & Zaghyan, Esmail (2020). The role of Islamic family lifestyle in achieving the Islamic-Iranian model of progress. *Iranian Journal of Cultural Studies*, 13(3), 55-80.